

## حقوق بین الملل کیفری و خشونت علیه زنان

□ محمد آصف افتخاری \*

### چکیده

ملاحظه جنسیت در مرد و زن، از واقعیت‌های غیرقابل انکاری است که ضمن تشکیل اساس حیات بشری، احیاناً زمینه‌ساز برخی تقابلات در قالب خشونت می‌گردد. در این بین، ویژگی‌های ظاهری و باطنی خاص نهفته در زنان، خود، زمینه‌ساز پاره‌ای خشونت‌ها علیه آنان خواهد شد. خشونت علیه زنان یک پدیده تاریخی می‌باشد که جامعه بین‌المللی در توافقات حاصله در دهه ۱۹۹۰ خشونت علیه زنان را یکی از سیستماتیکی‌ترین و وسیع‌ترین موارد نقض حقوق بشر و مؤثر بر بهداشت و سلامت زنان دانسته است. خشونت جسمی، جنسی، اقتصادی و روانی و عاطفی از جمله مصادیق خشونت علیه زنان است که با آمار بالایی در سطح بین‌الملل شکل گرفته و می‌گیرد. حقوق کیفری بین‌الملل، اقدامات کیفری لازم را در عالم تصویب و عمل، در نظر گرفته است که از جمله اقدامات مهم در این باب؛ مسئولیت دولت‌ها، انتصاب گزارشگر ویژه منع خشونت، قانون‌گذاری منع خشونت هست و نیز جرم‌انگاری خشونت علیه زنان در حقوق بین‌الملل کیفری، اقدامات پیشگیرانه و کیفر گزارا در قابل خشونت علیه زنان از اقدامات حقوق کیفری بین‌الملل می‌باشد که در نتیجه، پرونده‌های متعددی از خشونت علیه زنان شکل گرفته و در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از جمله دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا با صدور کیفرخواست، مورد بازجویی و در نتیجه محکومیت قرار گرفتند و نمونه‌هایی از آن در کارنامه سازمان ملل ثبت شده است.

**کلید واژه:** خشونت، زنان، حقوق کیفری بین‌الملل.

---

\* دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی مجتمع عالی فقه جامعه المصطفی صلوات الله علیه و العالمیه.

## مقدمه

تقسیم انسان به مرد و زن و مسئله جنسیت، یکی از واقعیات غیرقابل انکار در نظام خلقت هست که این امر، از یک طرف، پایه و اساس حیات بشری را شکل می‌دهد و از سوی دیگر، زمینه‌ساز برخی تقابل و برخوردهای نامناسب، در قالب خشونت می‌گردد که به لحاظ قدرت جسمانی مردان، معمولاً زنان، مورد بی‌مهری و احیاناً خصومت و خشونت قرار می‌گیرند.

با توجه به صدق عنوان بشر و انسان بر تمامی زنان و دختران در اقصی نقاط عالم، تمامی جوامع بشری در تمامی مرزهای نژادی، فرهنگی، منطقه‌ای و از جمله جنسی؛ از کرامت انسانی و بشری برخوردار بوده و خشونت علیه زنان به‌عنوان یک واقعیت تلخ، یکی از مصادیق نقض حقوق بشر محسوب می‌شود که ضمن تعرض به حقوق شخصی آنان، پایمال ساختن کرامت جامعه انسانی را نیز به ارمغان می‌آورد.

از سوی دیگر؛ ویژگی‌های جسمانی، ساختار خاص بدنی، خصوصیات روانی و ویژگی‌های عاطفی مخصوص در زنان؛ خود، زمینه خشونت علیه آنان را بیش از مردان فراهم می‌آورد. خشونت علیه زنان، دارای اشکال و ابعاد وسیعی است که ممکن است در قالب خشونت خانگی، تعرض جنسی، منع حقوق و امتیازات مالی، خرید و فروش، روسپی‌گری اجباری و بسیاری از سنت‌های نابجا؛ تبلور نماید.

خشونت به‌طور کلی و خشونت علیه زنان به‌طور خاص، پدیده ایست تاریخی که در گذشته‌های دور و لابه‌لای جریان‌های تاریخی، به‌صورت فراوان و احیاناً به شکل بسیار دل‌خراش و وحشیانه، به ثبت رسیده است و جامعه بین‌المللی در توافقات حاصله در دهه (۱۹۹۰ میلادی) خشونت علیه زنان را نه تنها یکی از سیستماتیک‌ترین و وسیع‌ترین موارد نقض حقوق بشر و مؤثر بر بهداشت و سلامت زنان دانسته است.

بنابراین نهادهای مرتبط در دولت‌ها خصوصاً بخش حقوق کیفری سازمان ملل متحد، موظف به وضع و اجرای قوانین و تدابیر به‌موقع، مناسب و کارآمد در این راستا می‌باشند که در این راستا در عالم تقنین و کنوانسیون‌های و احیاناً در اقدامات عملی، گام‌های مؤثری هم برداشته است.

تحقیق حاضر، درصدد بیان موارد و مصادیق خشونت علیه زنان و بررسی برنامه‌ها و تعهدات سازمان ملل متحد، جهت مقابله با خشونت علیه زنان و مجازات عاملین آن در راستای حمایت از حقوق زنان را از منظر حقوق کیفری بین‌الملل بررسی می‌کند.

نکته قابل تذکر اینک: این نوشتار، صرفاً به بررسی حقوقی و دیدگاه‌های کیفری بین‌المللی در قبال خشونت علیه زنان جهان، با استفاده از منابع مرتبط با سازمان ملل، پرداخته است؛ اما اینکه اقدامات بین‌المللی در قبال زنان تا چه حد درست و مورد تأیید منابع اسلامی و مقررات داخلی کشورها هست؛ در این مقاله مقایسه‌ای در این باب صورت نگرفته است و به‌هیچ‌عنوان، بیانگر دیدگاه نویسنده هم نمی‌باشد. مقایسه میان دیدگاه حمایتی اسلام در قبال خشونت علیه زنان با دیدگاه کشورهای غربی و غیر اسلامی، خود مجالی بیشتر می‌طلبد.

### مبحث اول: مفاهیم و کلیات

#### الف) خشونت در لغت

خشونت در لغت به معانی زبری، درشتی، خشن، تندخویی، بدخویی و بداخلاقی و مانند آن آمده است (عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۸۳، ص ۵۵۷) چنانچه مجمع‌البحرین آورده است «الخشونة ضد النعمه» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۴۳) یعنی خشونت، مقابل آسایش و راحتی است. وقتی گفته می‌شود رجل خشن: یعنی مردی قوی و درشت، مراد است و جمع خشونت هم خُشْن (به ضم خا و شین) آمده است و آنگاه که گفته می‌شود «أرض خُشنة ای خلاف سهله» (همان) یعنی زمین خشن، به زمین دارای پستی و بلندی اطلاق می‌شود. لسان العرب هم به‌طور مختصر می‌گوید: «والخُشونة: ضد اللین.» (ابن منظور، ج ۱۳، ص ۱۴۰)

#### ب) خشونت در اصطلاح و منابع حقوقی

هرچند تعاریف متنوعی از خشونت علیه زنان، ارائه شده است اما به‌صورت کلی، در منابع مرتبط حقوقی، از خشونت با تعابیری همچون: عمل خلاف یک هنجار، رفتاری که تحت شرایط خاصی بروز می‌یابد، هر نوع رفتار خُشنی که از روی قصد و باهدف آسیب رساندن به دیگری

اعمال می‌شود و هرگونه تهاجم فیزیکی علیه انسان و معانی این قبیل آمده است. بر اساس ماده (۱) اعلامیه رفع خشونت علیه زنان «خشونت علیه زنان، عبارت است از هرگونه عمل خشونت‌بار بر پایه جنسیت - خواه در جامعه، خواه در زندگی خصوصی - که آسیب‌های جسمی، جنسی یا روانی، یا تحمل رنج به زنان، منتهی شده و یا احتمال رنج و آزار آنان را ... موجب شود» (اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، مصوب دسامبر ۱۹۹۳ میلادی ماده ۱) با مراجعه به حقوق و مقررات بین‌الملل به این نتیجه می‌رسیم که در این سازمان، هر نوع تعرض بر زنان، عمل شنیع و مجرمانه، معرفی نشده است بلکه تعرض بر زنان زمانی جرم انگاری شده است که با تجارت جنسی، تحقیر، بردگی، تجاوز در زندان از باب شکنجه و... همراه باشد که نمونه‌هایی از آن در برخی جنگ‌ها و نسل‌کشی‌ها از جمله در جریان یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاده است. در این بخش به منظور رعایت اختصار و پردازش به مباحث مهم‌تر، به همین مقدار بسنده می‌شود.

### ج) مصادیق خشونت علیه زنان در منابع کیفری بین‌الملل

در مواد متعدد پیش‌نویس لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت و همچنین بر اساس تبیین کنوانسیون اروپایی پیشگیری و مهار خشونت علیه زنان مصوب (۲۰۱۱ م) استانبول (ابوالحسنی، ۱۳۹۶، ص ۳۵). و نیز طبق موادی از اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در دسامبر ۱۹۹۳ میلادی؛ موارد و مصادیق متعددی به‌عنوان انواع و طبقات خشونت علیه زنان ذکر شده است که با تلفیق و تلخیص این موارد، نمونه‌هایی ذیل به‌عنوان خشونت علیه زنان در خانه و جامعه ذکر می‌شود. ضمن اینکه این مصادیق در بسیاری از نسل‌کشی‌های خانمان‌سوز خصوصاً در یوگسلاوی سابق، رواندا و سرا لئون، اتفاق افتاده و منجر به تشکیل دادگاه‌هایی هم شده است:

#### ۱- خشونت جسمی

خشونت جسمی و بدنی رفتارهایی را شامل می‌شود که موجب ورود صدمه یا درد شدید و یا به تمامیت جسمی زنان آسیب برساند که از جمله آن موارد، کتک زدن، قطع و ناقص کردن اعضای تناسلی، سقط جنین، بارداری اجباری و... می‌باشد که در این زمینه باید گفت: «بارداری



اجباری» به‌عنوان یک جنایت علیه بشریت، یکی از جنبه‌های منحصر به فرد اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مصوب جولای ۱۹۹۸ میلادی در رم (ایتالیا) و لازم‌الاجرای سال ۲۰۰۲ م، ماده ۷ بند ۲) که عنصر مادی این جنایت، حبس غیرقانونی زنی است که اجباراً (ولو توسط شخص دیگری) باردار شده است.

در این میان «ایراد ضرب و جرح توسط همسران، رایج‌ترین نوع خشونت علیه زنان است و حدود ۲۰ درصد از زنان توسط همسرانشان مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.» (جعفری، ۱۳۸۵، ص ۳۴)

## ۲- خشونت جنسی

بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر (غرب)، هر زن و مرد، بدون هیچ‌گونه محدودیتی می‌توانند باهم ازدواج کنند و ازدواج باید با رضایت کامل و آزاد زن و مرد واقع شود. (اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر، ۱۹۴۸، (مطابق با ۱۳۲۷/۹/۱۹)، ماده ۱۶) بنابراین تجاوز، سوءاستفاده جنسی از زنان و دختران، روابط زناشویی از روی اجبار، ازدواج اجباری دختران، خشونت بهره‌گشی جنسی از آنان، تعرض جنسی، مزاحمت جنسی؛ همه و همه از مصادیق خشونت جنسی علیه زنان بوده و از منظر نهادهای کیفری بین‌الملل، مردود می‌باشد.

نکته‌ای که در این فراز باید متذکر شد اینست که؛ بر اساس بند اول ماده ۷ اولین گزاره اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تجاوز جنسی به‌عنوان جنایت علیه بشریت، لحاظ شده است و تجاوز هم صرفاً شامل مجامعت عرفی (دخول آلت مردانه در آلت زنانه) نیست بلکه این جرم، شامل وارد کردن آلت مردانه (بلکه سایر بخش‌های بدن مرتکب) در منافذ بدنی زنان، می‌شود و حتی فراتر از آن، شامل وارد آوردن بر منافذ بدن مردان هم می‌باشد. (ساک، ۱۳۹۲، ص ۴۴۱)

«ایستگاه‌های تفریح» و «اردوگاه‌های تجاوز جنسی» تأسیس شده توسط ارتش ژاپن در جنگ جهانی دوم که در طول محاصره یوگسلاوی تشکیل شده است؛ نمونه‌هایی از بردگی جنسی زنان و دختران می‌باشد. (همان، ص ۴۴۲) در جنگ‌های اخیر در بنگلادش، اکوادور، پرو، کشمیر، هائیتی، لیبریا، برمه، السالوادور، رواندا، ویتنام و یوگسلاوی؛ خشونت جرائم جنسی علیه زنان،

به کرات اتفاق افتاده است (صادقی ۱۳۷۷، ص ۸۷) این امر درائتای نسل‌کشی روآندا در سال (۱۹۹۴ م) به‌طور فجیع و به‌گونه‌ای توسط نظامیان و شبه‌نظامیان، صورت می‌گرفت که عاملین، توسط رسانه‌های جمعی، مورد تشویق قرار می‌گرفتند! هرچند تعداد دقیق از گزارش تجاوزات جنسی، به دلیل ترس یا شرم و حیا؛ مشخص نیست ولی به گفته برخی از ناظران، تقریباً تمام زنان و دخترانی که از نسل‌کشی جان سالم به در برده‌اند، مورد تجاوز قرار گرفتند.

دیوان بین‌المللی کیفری روآندا در مورد لخت کردن یک دانش‌آموز دختر و اجبار وی بر اینکه به‌صورت عریان در برابر شمار زیادی از مردم، ژیمناستیک کند به‌عنوان یک نوع از جنایت و خشونت علیه زنان دانسته است (ساک، پیشین، ص ۴۴۴)

### ۳- خشونت اقتصادی

اعلامیه جهانی حقوق بشر (اسلام) در جهت رفع خشونت علیه زنان، مقرر داشته است که «زن در کرامت انسانی با مرد مساوی است... در تعهدات و جریانات مالی خود صاحب استقلال است... مرد نسبت به اداره معاش خانواده، مکلف است...» (اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسلام، ۵ اوت ۱۹۹۰ م مطابق با ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ ش، ماده ۷) بر این اساس، هرگونه رفتاری که منجر به محرومیت کلی یا جزئی و یا ممانعت از تصرف در اموال یا ارثیه شود، از مصادیق خشونت اقتصادی علیه زنان خواهد بود (ابوالحسنی، پیشین، ص ۲۱) تجارت و خریدوفروش زنان، روسپیگری اجباری، خشونت مربوط به جهیزیه، عدم پرداخت نفقه، خساست بیش‌ازحد در زندگی، سرقت اموال شخصی زنان و... به‌عنوان خشونت و جرائم علیه زنان، محسوب می‌گردد.

### ۴- خشونت روانی و عاطفی

هرگونه صدمه وارده بر سلامت روان و عواطف انسانی در زنان، در قالب تمسخر، توهین، فحش، تهدید در محل کار یا منزل یا خیابان و... از مصادیق خشونت علیه زنان بوده و به‌عنوان اعمال ضد بشری و انسانی، مذموم می‌باشد. جلوتر هم اشاره شد که از منظر حقوق بین‌الملل کیفری (نه حقوق اسلام)، صرف عمل جنسی ولو از روی اکراه با زنان، خشونت علیه آنان

محسوب نمی‌گردد! بلکه این اعمال، در صورتی مصداق خشونت علیه آنان محسوب می‌گردد که همراه با توهین و تحقیر صورت بگیرد که بیانگر همان خشونت روانی و عاطفی علیه زنان می‌باشد.

در جنگ‌هایی مانند روآندا و یوگسلاوی که زنان زیادی بعد از تجاوز، باردار شدند و در وضعیت نابسامان، این فرزندان نامشروع را وضع حمل کردند و عده‌ای از آنان هم مجبور به سقط و حتی قتل نوزادان و کودکان ناخواسته، فرزندان نفرت، کودکان خاطرات تلخ و... می‌شدند؛ این خود مهم‌ترین صدمه روحی و روانی هست که بر آنان تحمیل شده است. از جمله عبارات و جملات بسیاری از زنانی که در این جریانات ضد انسانی، مورد تعرض قرار گرفتند و جان سالم به در بردند این است که «هیچ‌گاه نمی‌توان این وقایع را فراموش کرد... من تازه‌ام غمگین خواهم بود» (صادقی، پیشین، ص ۱۶۵)

#### د) نمونه‌هایی خشونت خانمان‌سوز در یوگسلاوی و روآندا و...

در جریان حمله بر یوگسلاوی سابق و روآندا موارد بسیار تأثر آمیز، رقت‌انگیز، غیرانسانی از جنایات علیه زنان و نقض حقوق بین‌الملل، اتفاق افتاده است که هرچند قلم از نوشتن آن شرم دارد اما از باب نمونه مواردی از آن ارائه می‌شود:

۱. تجاوز بر زنان در میدان شهر، ملاءعام، میدان‌ها دهکده و...
۲. تعرض مکرر و دست جمعی بر زنان، توسط سربازان از پنج سرباز تا ده ها سرباز در موارد و دسته‌های مختلف و پشت سر هم.
۳. دواندن اجباری زنان برهنه در میدان‌ها و خیابان‌های اصلی شهر بعد از تجاوز و برهنه کردن آنان را در بازداشت گاه و انتخاب برای تعرض.
۴. وادار کردن زنان را قبل از تجاوز بر آنان، بر پاک کردن خون‌های اتاق‌های که مردان شان بر اثر شکنجه، مجروح یا مقتول می‌شدند و تجاوز بر زنان روی همان خون‌ها و کشتن شوهر و فرزند و خانواده در مقابل چشم زنان. هم‌چنین دفن اجساد کشته‌شدگان مردان توسط زنان.

۵. تجاوز بر دختران زیر سن حتی گفته می‌شود از ۲ سال به بالا؛ اما در موارد مکرر و متعدد غالباً دختران جوان بین ۱۶ تا ۲۶ سال ذکر شده است.
۶. اجبار دانش آموزان پسر بر تجاوز به همکلاسی‌های دختر و اجبار ساختن اسرای مرد بر تجاوز بر زنان اسیر.
۷. بریدن و مثله کردن اعضای بدن و تناسلی زنان و فروکردن مکرر چوب و حتی غذاهای روی میز در مهبل آنان.
۸. قتل زنان و انداختن داخل رودخانه‌ها بعد از تجاوز و یا نگهداری در بدترین شرایط.
۹. سوزاندن مردان و زنان، پرت کردن زنان را در هوا و انداختن روی شیشه شکسته‌ها و... (صادقی، پیشین، ص ۷۸ تا ۱۸۷)

#### ه) نگاهی بر آمار خشونت علیه زنان

برخی از نویسندگان «حدود بیست جنگ را که در آن‌ها ارتکاب این‌گونه اعمال (خشونت علیه زنان) به‌عنوان یک تاکتیک جنگی یا برای پاداش دادن به سربازان خود یا بالا بردن روحیه آن‌ها یا در جهت ترساندن و تحقیر [از طرف] دشمن به‌کاررفته برشمرده است» (همان، ص ۸۶) به بیان برخی محققین، ژاپنی‌ها قریب به ۳۰۰۰۰۰ (سیصد هزار) زن از اتباع چین، فیلیپین و مخصوصاً کره را برای ارضاء جنسی سربازان خود، در اسارتشان نگه داشتند. یا دراثناى جنگ بنگلادش حدود ۲۰۰۰۰۰ (دو صد هزار) زن و دختر، توسط سربازان پاکستان، مورد تجاوز قرار گرفتند. (همان ص ۱۶۱)

فراتر از شرایط و مسائل جنگی، بر اساس گزارش‌های موجود، ۹۸ درصد از زنانی که هر ساله به دلیل خشونت‌های خانگی در اسپانیا مرده‌اند، روند جدا شدنشان از همسرانشان را آغاز کرده بودند. حدود ۵۰٪ قتل زنان بنگلادش، توسط اقوام خود صورت گرفته است. بر اساس آمارها ۷۰٪ از زنانی که مورد سوءاستفاده یا ضرب و جرح قرار می‌گیرند، توسط همسران خود به قتل می‌رسند.

تحقیقی دیگر نشان می‌دهد که ۶۳٪ زنان، خشونت فیزیکی، ۵۲/۲٪ زنان هم خشونت

جنسی و ۴۲/۴% هم خشونت عاطفی را تجربه کرده‌اند.

### (و) اشاره‌ای بر دادگاه‌های بین‌الملل کیفری و زمینه شکل‌گیری آن

به گفته دکتر بهزاد رضوی‌فر: «حقوق بین‌الملل کیفری، یک رشته هنجاری است که بایستی بتواند رفتارهای بین‌المللی را که می‌تواند منجر به خسارات عظیم و غیرقابل جبران شود، شناسایی و تحت پیگرد قرار دهد» (رضوی فرد، ۱۳۹۴، ص ۱۶) حقوق بین‌الملل کیفری نیز همانند حقوق کیفری کشورها، دارای منابع متعدد هست که به‌طور خلاصه می‌توان کنوانسیون‌ها، عرف‌های بین‌الملل، اصول کلی حقوقی و آراء و اندیشه حقوقدانان (و اساسنامه‌های شورای امنیت، حقوق داخلی هر کشور، رویه قضایی، اخلاق به‌عنوان منابع فرعی) را نام برد؛ اما با توجه به عدم انسجام حقوق بین‌الملل کیفری با حقوق داخلی، حقوق بین‌الملل کیفری با ضعف‌ها و کاستی‌های عدیده‌ای مواجه است.

به‌طورکلی از جمله بسترها، مبانی و زمینه‌های شکل‌گیری دادگاه‌های بین‌المللی کیفری [علاوه بر وقوع کشتارهای فجیع، وسیع و بی‌رحمانه در جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنایات ضد بشری و انسانی و نسل‌کشی‌های ناشی از تعصبات و درگیری‌های سیاسی و نژادی و محاصره‌های چندین ساله برخی از جوامع مانند مردمان شهر ساریو و مانند آن و علاوه بر انتحارها و ترورها] می‌توان آزار و اذیت و به‌طورکلی خشونت علیه زنان را دانست.

به‌عنوان یک نمونه تاریخی خشونت و جنایت سنگین علیه زنان، می‌توان به این مورد اشاره کرد که در نهم ژوئیه (۱۹۹۵ م) شهر سربرینیتسا به تصرف صرب‌ها درآمد؛ آنان «مردان شهر را اعدام کردند و زنان و اطفال نیز شدیداً توسط سربازان صرب مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.» (همان، ص ۴۸) تعداد قربانیان در این شهر بالغ بر ۸ تا ۱۰ هزار نفر می‌باشد. یا در جریان سیاسی نسل‌کشی روآندا از جمله در سال‌های ۱۹۹۰ م و ۱۹۹۴ م و... یکی از فجیع‌ترین قتل‌عام‌ها و نسل‌کشی علیه مردم این سرزمین، اتفاق افتاد که بدون تردید، در این نسل‌کشی، هزاران زن و کودک هم‌جان سپردند به دلیل این‌که یکی از خاصیت اساسی در جریان نسل‌کشی‌ها نابودسازی یک قوم یا قبیله متشکل از مردان، زنان، کودکان و خورد سالان هست.

## ز) اقدامات حقوقی و کیفری

هرچند جریان خشونت خانگی و خشونت علیه زنان، در اواسط دهه ۱۹۸۰ م به‌عنوان یک نگرانی بین‌المللی مطرح شد؛ اما اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان و خانواده، مربوط به (هفتمین کنگره) سال ۸۶ - ۱۹۸۵ م می‌باشد. این کنگره هر پنج سال یکبار در یکی از نقاط جهان، دایر می‌گردد. در سند این کنگره، ضمن اشاره بر پیشگیری از خشونت علیه زنان و تأکید بر ایجاد رفاه خانواده و رفع زودخورد در بستر مسئولیت کیفری؛ نگاهی چندجانبه بر خشونت علیه زنان و خانواده شده است که باید از چشم‌انداز پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و در بستر اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار بگیرد.

بعدها این امر در کنگره سال ۱۹۹۰ م (هشتمین کنگره) مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و در همین راستا کشورهای عضو سازمان ملل، قطعنامه‌هایی را در جهت پیشگیری از خشونت علیه زنان، تصویب کردند؛ تا اینکه خشونت علیه زنان به در چارچوب کنوانسیون، مطرح گردید. به‌طور کلی سازمان ملل متحد در بُعد مقابله با خشونت علیه زنان، اقدامات زیادی را پیموده است که از جمله می‌توان به موارد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در طی سال‌های ۱۹۴۵ م - ۱۹۷۹ م، تأسیس کمیسیون مقام زن ۱۹۴۵ م، کمیسیون حقوق سیاسی زنان ۱۹۵۲ م، کمیسیون زنان قاره آمریکا، اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان و... اشاره کرد.

حسب تحقیقی که انجام شد، از سال ۱۹۰۴ م تا سال ۲۰۰۰ م حدود ۱۵ اقدام بین‌المللی در قالب معاهده، موافقت‌نامه، اعلامیه، تصمیم، کنوانسیون و پروتکل؛ در بعد حمایت از زنان و مبارزه علیه خشونت با آنان شکل گرفته است (ساک، پیشین، صص ۲۴۷ - ۲۴۸) که از جمله این موارد، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ م می‌باشد.

مبحث دوم: اقدامات حقوق بین‌الملل کیفری در قبال خشونت علیه زنان

## الف) مسئولیت دولت‌ها

به لحاظ اینکه در گذشته، خشونت علیه زنان به‌عنوان یک اقدام خصوصی و خانوادگی تلقی

می‌شد؛ بنا تا مرتکب آن از مصونیت برخوردار بود؛ اما با بررسی‌های مراجع مربوطه در سازمان ملل متحد، امروزه خشونت علیه زنان به عنوان نقض حقوق بشر، تلقی شده است که در نتیجه، دولت‌های متبوع، در قبال آن موظف به اقدامات پیشگیرانه و مبارزه علیه این اقدام ضد بشری شدند؛ تا با توسل به کلیه ابزارهای مناسب و بدون تأخیر، خط مشی خود را مبنی بر حذف خشونت علیه زنان، اعمال نمایند. چنانچه بخش الف از ماده ۲ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان هم به این امر پرداخته است (کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (لازم الاجرای ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۱) ماده ۲ و زهرا داور، ارزیابی حقوقی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ۱۳۷۹ ص ۲۶)

ماده ۱۶ کنوانسیون، حقوق افراد دارای معلولیت، مقرر داشته است که کشورها باید شناسایی هرگونه سوءاستفاده علیه افراد دارای معلولیت از جمله دختران و زنان را تضمین نمایند (ابوالحسنی، پیشین، ص ۶۸) در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان «فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می‌شود» (کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر، ۱۹۷۹. ماده ۱) را هم یکی از وظایف دولت‌های عضو و اهداف این کنوانسیون تعریف کرده است.

از این حیث می‌توان این اقدام سازمان ملل را به عنوان نوعی پیشرفت در حمایت از زنان آسیب‌پذیر و مواجه با انواع خشونت دانست.

### ب) انتصاب گزارشگر ویژه منع خشونت

با احراز مسأله خشونت علیه زنان و شیوع آن در بسیاری از کشورها، بخش کیفری سازمان ملل، صرفاً به اقدامات داخلی دولت‌ها بسنده نکرده است. بلکه خود، گزارشگر ویژه‌ای را در این خصوص، موظف نمودند تا ضمن تشویق و وادار ساختن دولت‌ها را مبنی بر جلوگیری از امر خشونت؛ گزارش‌هایی را از اقدامات دولت‌ها در این راستا، تهیه و شکایات مرتبط را شنیده و آن را در مجمع عمومی و مسئولین مربوطه انعکاس بدهد.

از جمله اقدامات این گزارشگر در راستای منع خشونت علیه زنان، تهیه و انتشار پرسشنامه

بوده است که در سال ۲۰۱۱ م در سطح جهان، صورت گرفت و از کشورها و سازمان‌های غیردولتی مرتبط، جهت پاسخ به پرسش‌های سوالات مزبور، درخواست مساعدت کرده است (ابوالحسنی، پیشین، ص ۱۱۶)

### ج) قانون‌گذاری منع خشونت

اقدام دیگری که از ناحیه حقوق بین‌الملل کیفری در راستای حمایت از زنان و اجرای عدالت و پیگیری از جرایم و تضمین ممنوعیت تمام اقدامات خشونت علیه زنان، صورت گرفته است؛ دخالت متولیان این سازمان در قوانین کیفری کشورها و ارائه چارچوب‌ها، نمونه‌ها، مدل‌ها، استراتژی و نمونه‌های عملی در نظام حقوقی داخلی کشورها هست.

به همین منظور در سال ۱۹۹۷ در ضمن سندی، از جمله، اقدامات ذیل انجام شد:

۱. بازنگری قوانین کشورها در راستای بهبود اهداف فوق.
۲. بازنگری آیین دادرسی در امور کیفری باهدف تضمین مسئولیت مقامات تعقیب برای شروع به تعقیب و دستگیری و بازداشت مرتکبین در موارد خشونت علیه زنان و اتخاذ تدابیری برای تسهیل شهادت بزه دیده و انتصاب مسئولانی برای صدور قرارهای حمایتی.
۳. تصویب تدابیری برای حمایت از امنیت بزه دیدگان و شهود، قبل، بعد و در حین رسیدگی کیفری.

در بخش سوم از ماده ۲ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان هم «نسخ کلیه مقررات کیفری ملی که تبعیض علیه زنان را در بردارند» (کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ماده ۲) را از کشورهای عضو خواستار شده است.

### د) تأسیس دادگاه‌های کیفری

اساساً یکی از اهداف تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی کیفری رواندا و یوگسلاوی سابق، رسیدگی به جرم نسل‌کشی می‌باشد که جریان خشونت علیه زنان در درگیری‌ها و جنگ‌های واقع شده در این سرزمین، موج می‌زند. [این تحقیق مختصر در این مورد بیش از این گنجایش بحث را ندارد بلکه بتوانم در مقاله جداگانه‌ای این امر را به بررسی بگیرم]



## مبحث سوم: جرم انگاری خشونت علیه زنان در حقوق بین‌الملل کیفری

به گفته کارشناسان؛ در بعد حمایت حقوق بین‌الملل کیفری از نفی خشونت علیه زنان؛ که از یک طرف در محیط یک خانواده شکل می‌گیرد و از سوی دیگر میان افرادی با قرابت نزدیک صورت می‌پذیرد؛ دورویکرد وجود دارد.

الف) تنها راه مهار خشونت را توسل به قوانین و مقررات کیفری دانسته است و عناصر پلیس، قاضی و... را در نظام عدالت کیفری ضروری دانسته و به قدرت قانون، اعتقاد دارند.

ب) روش‌های درمانگرانه و خدمات رفاهی را در این راستا ترجیح داده است که بسیاری از مشکلات و خشونت‌ها علیه زنان با ایجاد خدمات رفاهی و تربیتی قابل حل می‌باشد (ابوالحسنی، پیشین، ص ۹۵ و ۹۶)

البته می‌توان با توجه به شعار معقول الجمع مهما امکن اولی من الطرح، وجه الجمعی میان این دورویکرد در نظر گرفت؛ به این صورت که در ضمن وضع مقررات پیشگیرانه، از تربیت و تهذیب افراد خاطی هم (چه در مراکز بازداشتی و چه در منازل و مراکز مشاوره‌ای) برای مهار خشونت و به منظور حمایت کیفری از زنان، بهره جست. باید توجه داشت که ارتقاء سطح فرهنگ دینی، اخلاقی و انسانی و آشنایی با تکالیف و وظایف متقابل زن و مرد و آموزش حفظ قداست خانواده و ارشاد به اهمیت و جایگاه زن در بدنه زندگی خانوادگی و عنایت به خصوصیات فیزیکی و جسمانی و بدنی هرکدام از زن و مرد؛ ارتباط عمیق با پیشگیری از جرم خشونت علیه زنان دارد.

هم‌چنین کمک‌های لازم نسبت به برخی از انواع خشونت بر خواسته از فقر و نداری هم از موارد بنیادین حذف عوامل خشونت محسوب می‌شود.

به هر صورت اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، مصوب مجمع عمومی در سال (۱۹۹۳ م) «خشونت علیه زنان را به‌عنوان خشونت علیه بشر و یک نوع جنایت علیه زنان تلقی کرده است» (اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ م توسط مجمع عمومی ملل متحد) هم‌چنین این اعلامیه «به مجازات رساندن مرتکبان اعمال خشونت علیه زنان به موجب قوانین داخلی را از کشورها درخواست نموده است و اقدام به قانون‌گذاری کیفری و... ضمانت

اجرای لازم و جبران خسارت؛ از جمله پیشنهادات دیگر تصویب کنندگان این سند است» (همان) نیز در بند چهارم قطعنامه مصوب ۲۰۰۳، کلیه انواع و اشکال خشونت علیه زنان در همه سنین را به عنوان جرم کیفری و قابل مجازات دانسته است. در بند چهارم قطعنامه مصوب (۲۰۰۷ م) هم هر نوع خشونت علیه زنان چه توسط افراد خصوصی و چه دولتی محکوم شده است.

در بخش (ب) از ماده ۲ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، اتخاذ تدابیر قانونی «از جمله اعمال مجازات در شرایط مقتضی به منظور ممانعت از تبعیض علیه زنان» از وظایف دول، تعیین شده است.

بنابراین از منظر حقوق بین الملل کیفری در جرم انگاری خشونت علیه زنان، مجالی برای هیچ گونه تردیدی باقی نمانده است.

با توجه به اینکه بسیاری از جرائم علیه زنان، بر خواسته از عرف و عادت توده‌هایی از جامعه می‌باشد؛ حقوق بین الملل کیفری با این اقدامات هم به مبارزه بر خواسته و در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مختلف، با درخواست از کشورهای عضو، سد راه این گونه این اقدامات شده است.

از جمله در فراز «و» از ماده ۲ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مقرر شده است که دولت‌های عضو، موظف هستند به «اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا نسخ قوانین، مقررات، عرف یا رویه‌های موجود که تبعیض علیه زنان را در بردارند» به طور مثال در برنامه اجرایی کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه سال ۱۹۹۴ م سازمان ملل و اعلامیه پکن در سال ۱۹۹۵ م، خواستار ممنوعیت عادات سوء، همچون قطع اندام تناسلی زنان، کشتن نوزادان دختر، انتخاب جنسیت قبل از زایمان، ازدواج اجباری، ازدواج با صغار و خشونت مربوط به جهیزیه؛ را شده است؛ و بعدها در سال های ۱۹۹۹ م - ۲۰۰۴ م - ۲۰۰۷ طی دو قطعنامه، قطع اندام تناسلی زنان را رسماً ممنوع اعلام نمود.

### الف) پیشگیری

اصل عقلانی «پیشگیری بهتر از درمان» از منظر حقوق بین الملل کیفری در حوزه مبارزه با خشونت علیه زنان هم لحاظ شده است و در همین راستا مقامات عالی رتبه دولتی و جامعه مدنی

و متفدین مردمی را ترغیب بر این امر نموده است.

در برخی از مواد، کنوانسیون‌های مرتبط، از جمله، کمیته منع تبعیض علیه زنان، یکی از اقدامات کشورهای عضو، تدابیر پیشگیرانه شامل اطلاعات عمومی و برنامه‌های آموزشی برای تغییر در شیوه‌های مرتبط با نقش‌های مردان و زنان، ارائه شده است (کمیته منع تبعیض علیه زنان، توصیه شماره ۱۹)<sup>۱</sup>

### ب) کیفر گزاری

هرچند منابع حقوقی در بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی برای مقابله با خشونت علیه زنان، مجازاتی را تعیین نموده‌اند؛ اما بسیاری از حکومت‌های دیگر هم به درخواست مکرر و اکید بخش کیفری سازمان ملل، موظف به اقدامات شایسته، مناسب و تلاش مستمر در این راستا شده‌اند و با توسل به اصل پشتکار این سازمان، در قوانین و آیین‌نامه‌های داخلی‌شان، اقدام به پیشگیری و تعیین مجازات در باب خشونت علیه زنان شده‌اند چه این خشونت توسط دولت صورت بگیرد یا اینکه افراد خاصی بر آن اقدام نمایند.

بر اساس اعلامیه سازمان، کلیه کشورها موظف شدند، ضمن محکوم کردن خشونت علیه زنان، در قوانین داخلی خود، جریمه‌های کیفری، مدنی، شغلی و اداری را برای تنبیه افراد و جبران ستم‌های انجام شده نسبت به زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند پیش‌بینی کنند (اعلامیه منع خشونت علیه زنان، مصوب ۱۹۹۳، ماده ۴ بند ۳ - ۴) این امر در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان هم در نظر گرفته است در ماده ۲ این کنوانسیون، «تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضا» (کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر، ۱۹۷۹، ماده ۱) را یکی از برنامه و اهداف این کنوانسیون تعیین کرده است. هم‌چنین فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می‌شود را هم در همین راستا در نظر گرفته است (همان)

در راستای تعیین مجازات و حمایت کیفری حقوق بین‌الملل در باب خشونت علیه زنان، پرسش‌گر ویژه این سازمان، از جمله سؤالات مطرح شده در سطح جهانی؛ پرسش‌های ذیل

می‌باشد:

۱. افزایش مجازات برای جرائم علیه خشونت زنان و دختران.
۲. جرم‌انگاری ویژه در خصوص خشونت علیه زنان.
۳. اختصاص واحدهای ویژه برای تحقیق و تعقیب از موارد خشونت علیه زنان.
۴. تلاش حکومت برای تجدیدقوای پلیسی، مقامات تعقیب در مبارزه علیه خشونت.
۵. و نمونه‌های دیگری از اقدامات عملی حکومت در این راستا (ابوالحسنی، پیشین، ص ۱۱۶)

به تعبیر برخی از محققین: «وجود قانون و اعمال مجازات مناسب، می‌تواند مانعی برای بروز خشونت مجدد گردد» (همان، ص ۱۵۹) که این مقررات جزایی می‌تواند مانعی بر انجام خشونت‌های علیه زنان به‌عنوان جرائم کیفری قلمداد گردد.

در پاسخ به همین ندهای نهاد سازمان ملل، برخی از کشورها؛ مقرراتی را در راستای رفع خشونت، تصویب کردند؛ از جمله در کشورهای اتریش، مجارستان، بلاروس، مکزیک، پرتغال تصمیم گرفته شد که خشونت‌های جنسی شوهران به‌عنوان جرم تلقی شوند.

همچنین الجزایر و برونی در ادارات پلیس خود، بخشی را به نام «بخش خشونت‌های خانگی» تأسیس کردند (ساک، پیشین، ص ۳۷۸) در ایران هم هرچند جرم‌انگاری خاصی تحت عنوان خشونت علیه زنان به نظر نمی‌رسد اما در مقررات جزایی و قوانین کیفری، اغلب مصادیق خشونت علیه زنان، جرم‌انگاری شده است که از جمله عناوین مجرمانه‌ای همچون: قتل، ضرب، جرح، سقط‌جنین، آدم‌ربایی، تجاوز جنسی، قذف و... در قانون مجازات اسلامی احصا شده است. کما اینکه اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل برای نخستین بار، فحش‌ای اجباری را به‌عنوان یک جرم مستقل علیه بشریت، به رسمیت شناخته است (همان، ص ۴۴۳)

### ج) پرونده‌های خشونت علیه زنان و رسیدگی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

با مراجعه به وضعیت تحلیلی پرونده‌ها در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، با موارد متعددی از مجرمینی برمی‌خوریم که در پرونده مجرمانه‌شان، علاوه بر جنایات غیرانسانی و بسیار سنگین

(از قبیل نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، نقض عرف جنگ، عرف جامعه، نقض حقوق و نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی) جنایت خشونت علیه زنان هم وجود داشته است. در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از جمله یوگسلاوی سابق و رواندا با صدور کیفرخواست، مورد بازجویی و در نتیجه محکومیت قرار گرفتند که چند نمونه از پرونده جنایت علیه زنان، همراه با اسم و زمان محکومیت این جنایتکاران علیه زنان و خشونت علیه آنان بر اساس نوشته بهزاد رضوی فر در کتاب حقوق بین‌الملل کیفری آورده می‌شود:

۱. میروسلاو برالو (**Miaoslav bralo**) در تاریخ ۷ دسامبر (۲۰۰۵ م) محکوم به ۲۰ سال حبس گردید و جهت تحمل مجازات به سوئد منتقل شد؛ که بخشی از جرائم او را تجاوز و شکنجه یک زن بوسنیایی و حبس آن زن را به مدت دو ماه، تشکیل می‌دهد.
۲. انتوفارون دزاجا (**amtofurndzija**) در تاریخ ۱۰ دسامبر (۱۹۹۸ م) به ۱۰ سال حبس محکوم شد که در ۲۵ دسامبر (۲۰۰۰ م) جهت تحمل مجازات به کشور فنلاند منتقل گردید؛ از جمله جنایات این شخص در بازجویی از یک زن مسلمان این بود که او را تهدید به قطع اندام تناسلی کرده بود.
۳. جاران (**goran**) هم که در ۱۴ دسامبر (۱۹۹۹ م) به ۴۰ سال حبس محکوم شده است، بخشی از جنایات او ضربت وارد کردن به یک زن مسلمان و کشتن او به وسیله شلیک گلوله بوده است.
۴. رادی سالا (**radisala**) که در ۲ آگوست (۲۰۰۱ م) به ۳۵ سال حبس محکوم شده است از جمله جنایات وحشتناک وی را اعدام حدود ۸۰۰۰ مرد و اجبار به ترک محل زندگی حدود ۲۵۰۰۰ زن، کودک و افراد مسن تشکیل می‌دهد.
۵. کانراک (**kunarac**) بر اثر جنایات متعدد که بخشی از آن را برده قرار دادن دو زن و رفتار با آن‌ها به مثابه اموال بوده است، در تاریخ ۲۲ فوریه (۲۰۰۱ م) به ۲۸ سال حبس محکوم گردید.
۶. میلن (**milan**) محکوم به حبس ابد شده است که جنایات متعدد در مورد زنان را در پرونده سیاهش دارد از جمله آن‌ها عبارت است از:

الف) به قتل رساندن ۵۳ زن و کودک و افراد مسن بوسنیایی با حبس آن‌ها در یک خانه و به آتش کشیدن آن خانه و آنان که برای فرار تلاش کردند را هم با ضرب گلوله به قتل رسانده است  
ب) به قتل رساندن ۷۰ زن و کودک و افراد مسن با حبس در خانه و کار گذاشتن بمب در آن.  
ج) به قتل رسانده یک زن بوسنیایی به طرز وحشیانه.

۷. هازم (**hazim**) در سال (۱۹۹۸ م) محکوم به ۱۸ سال حبس شد که از جمله موارد محکومیت او تجاوز به دوزن باهدف تحقیر و ترس قربانیان و گرفتن اطلاعات بوده است یکی از تجاوزها در مقابل دیدگان سایر نیروها صورت گرفت است.

۸. دراجان (**dragan**) این شخص بیشترین جنایات علیه زنان به صورت مکرر و در موارد متعدد را مرتکب شده است از جمله جنایات او علیه زنان موارد ذیل است:

الف) مورد تجاوز قرار دادن تعدادی از زن و دختر شامل یک دختر ۱۵ ساله.

ب) تجاوز به گروه دیگر از زنان و دختران مسلمان با تهدید به مرگ.

ج) تجاوز به یک زن بازداشتی توسط او و سه تن دیگر در یک بازداشتگاه.

د) مورد تجاوز قرار دادن سه زن دیگر توسط او و دو تن دیگر (رضوی فر، ص ۲۵۳ تا ۳۱۲)

این شخص با این همه جنایت و خشونت علیه زنان در سال (۲۰۰۷ م) به ۱۵ سال حبس محکوم شده است که جهت تحمل مجازات به کشور بلژیک منتقل شده است.

### جمع‌بندی

۱. خشونت علیه زنان به‌عنوان وسیع‌ترین مورد نقض حقوق بشر، یک پدیده تاریخی می‌باشد که در بسیاری از جنگ‌ها افتاده است.
۲. خشونت علیه زنان در قالب خشونت جسمی، جنسی، اقتصادی و روانی و عاطفی بروز می‌کند که با آمار بالایی در سطح بین‌الملل شکل گرفته و می‌گیرد.
۳. حقوق کیفری بین‌الملل، اقدامات کیفری لازم را جهت رفع خشونت علیه زنان در نظر گرفته است و در این راستا پرونده‌های قطوری از خشونت علیه زنان را بررسی و با عاملین آن برخورد نمودند.

## پی‌نوشت‌ها

.....

<sup>۱</sup> نکته: قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان هم اموری را برای پیشگیری از جرائم خشونت علیه زنان در نظر گرفته است که بالا بردن سطح آگاهی مرد و زن از حقوق همدیگر یکی از این طرف تعریف شده است (محسنی محمد آصف، زنان در افغانستان، المصطفی، ۱۳۹۰، قم ص ۵۱۱)



## کتابنامه

- ابوالحسنی سلامه، *خشونت خانگی (بررسی حقوقی - جرم شناختی اسناد بین سازمان ملل)* بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶ ه ش، تهران.
- اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، مصوب جولای ۱۹۹۸ م در رم (ایتالیا) و لازم الاجرای سال ۲۰۰۲ م. اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسلام، ۵ اوت ۱۹۹۰ م مطابق با ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ ه ش، قاهره.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر، ۱۹۴۸ م، (مطابق با ۱۳۲۷/۹/۱۹ ه ش) پاریس.
- اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ م توسط مجمع عمومی ملل متحد.
- جعفری لطیف، *خشونت علیه زنان در جهان (مقاله)*، فصلنامه بهداشت روان، شماره ۱۸ زمستان ۱۳۸۵ ش.
- داور زهرا، *ارزیابی حقوقی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان*، آینده پویان، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- رضوی فرد بهزاد، *حقوق بین الملل کیفری*، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴ ش، تهران.
- ساکمی محمدرضا، *حمایت کیفری از حقوق بشر*، میزان، ۱۳۹۲ ش، ایران.
- صادقی حسین میر محمد، *حقوق جزای بین الملل*، میزان، ۱۳۷۷ ش.
- طریحی فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- عمید حسن، *فرهنگ عمید*، امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش، تهران.
- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ م (لازم الاجرای ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۱ م).
- محسنی محمد آصف، *زنان در افغانستان*، المصطفی، ۱۳۹۰ م، قم.
- محمد (ابن منظور)، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ه ق.

